

حضور ۲۷ نماینده کار خود را شروع کرد. اما از این تعداد، نمایندگانی به قوای دیگر پیوستند: محمدعلی رجایی؛ نخست‌وزیر و رئیس جمهوری ایران؛ محمدجواد باهنر، نخست‌وزیر؛ سیدعلی اکبر پروش، وزیر آموزش و پرورش؛ حبیب‌الله عسکراولادی، وزیر بازرگانی؛ حسن غفوری فرد، وزیر نیرو؛ عبدالمجید معاد یخواه، وزیر ارشاد؛ محمد غرضی، وزیر نفت؛ سیدمحمد خاتمی، وزیر ارشاد؛ سیدحسین موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب؛ علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه؛ احمد توکلی، وزیر کار؛ علی اکبر ناطق نوری، وزیر کشور؛ محمدامامی کاشانی، رئیس دیوان عدالت اداری؛ سیدعلی خامنه‌ای، رئیس جمهوری ایران؛ محمدعلی نژاد سازخانی، استاندار تبریز؛ محمدصادق حائری شیرازی، امام جمعه شیراز و غلامرضا حسینی بزرگ آباد، امام جمعه ارومیه.

در نخستین مرحله از انتخابات مجلس، ۱۸ نفر اکثریت مطلق آرا را به دست آوردند که به ترتیب عبارتند از: فخرالدین حجازی (با یک میلیون و ۵۶۷ هزار و ۵۹۹ رأی یا ۷۳ درصد نفر اول بود)، حبیبی، بازرگان، معین فر، خامنه‌ای، حجتی کرمانی، باهنر، آیت، غفوری، غفاری، خوئینی‌ها، رجایی، ناطق نوری، هاشمی رفسنجانی، یزدی، طالقانی، چمران و سبحانی (عزت‌الله). از میان ۱۸ نفر کاندیدای برگزیده دوره اول، ۱۱ نفر از لیست ائتلاف بزرگ، ۵ نفر از لیست گروه همنام و ۲ نفر از دفتر همکاری‌های مردم پارسی جمهوری بودند که به مجلس شورای اسلامی راه یافتند. برای اداره موقت امور مجلس، یدالله سبحانی به عنوان رئیس سنی، مهدی بازرگان نایب رئیس و مجید انصاری، میربهزاد شهریاری، عطاءالله مهاجرانی، عبدالرضا اسدی نیا، عبدالحمید دیالمه، رضا رضانی خورشید دوست به عنوان منشی انتخاب شدند. تا اینکه در نوزدهمین و بیستمین جلسه علنی مجلس، (۲۹ و ۳۰ تیر) اکبر هاشمی رفسنجانی با ۱۴۶ رأی، رئیس و علی اکبر پروش با ۱۲۴ رأی و سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها با ۱۰۸ رأی به عنوان نایب رئیس مجلس انتخاب شدند. بعدها در این مجلس گروه ۳۵ نفر به گروه لیبرال معروف می‌شوند. با گذر زمان و بعد از برکناری بنی صدر به خاطر عدم کفایت سیاسی بلافاصله انشقاقی بین پیروان خط امام ایجاد می‌شود و جریان چپ و راست شاید از همین زمان متولد می‌شود و در مجالس بعدی پررنگ‌تر و خط‌بین‌شان عمیق‌تر می‌شود. نمایندگان مجلس پس از برگزاری معارفه با شورای انقلاب، در روز یکشنبه ۴ خرداد ماه ۵۹ به حضور امام خمینی (ره) رسیدند و اولین اقدام مجلس تعامل با رئیس جمهوری وقت برای تعیین نخست‌وزیر بود. اما این آرامش طولی نکشید؛ با شروع جنگ ایران و عراق در ۳۱ شهریور ۵۹، این موضوع به اولویت اول بیشتر نطق‌های نمایندگان بدل شد. طی چهار سال، ۳۲ نفر از نمایندگان فوت کرده یا شهید شدند.

■ آخرین جلسه

عقربه‌ها ساعت ۱۱ را نشان می‌دهد و رئیس مجلس، هاشمی رفسنجانی از نماینده‌ها برای عکس دسته جمعی دعوت می‌کند. این پایان مجلس اول است؛ پنجم خرداد ۱۳۶۳ که با پیام امام خمینی (ره) خاتمه می‌یابد: «مجلس شورای اسلامی که در رأس تمام نهادهای نظام جمهوری اسلامی است از ویژگی‌های خاص برخوردار است که مهم‌ترین آنها اسلامی و ملی بودن آن است. اسلامی است که تمام تلاشش در راه تصویب قوانین غیر مخالف با احکام مقدس اسلام است خصوصاً با برخوردی از شورای محترم نگهبان؛ و ملی است که از متن ملت جوشیده است و دست شرق و غرب و وابستگان به آنها از سر نوشت آن کوتاه است. امروز مجلس خانه واقعی ملت است و بر خلاف دوران طاغوت بخصوص رژیم ستمگر پهلوی بر آرای توده معتمد به اسلام و اصيل و زحمتکش و محروم استوار است و دست ناپاک دولتمردان و قدرتمندان و خانان و غرب و شرق زنگان از آن کوتاه است. امروز دولت مورد اعتماد مجلس حقاً دولت مستضعفان که وارثان روی زمین اند، است. خداوند متعال نعمت بزرگ اسلام و استقلال و آزادی را بر ملت ستمدیده ایران مستدام فرماید و سایر ملل تحت ستم را از بند ستمگران نجات دهد.» نماینده‌ها سه مرتبه صلوات می‌فرستند و لوح اهدایی امام را از دست رئیس مجلس دریافت می‌کنند و لوحی که به خانواده‌های شهدا اهدا می‌شود؛ محمد منتظری، دکتر چمران، علی اکبر دهقان، حسین صادقی، دانش آشتیانی، سیدمحمدباقر حسینی لواسانی، محمدعلی حیدری، غلامحسین حقانی، سیدحسن آیت، کمالی نیا، علی هاشمی رفسنجانی و سیف‌الله عبدالکریمی، منشی مجلس دو پیام رami خواند: پیامی از نمایندگان دوره اول که به مجلس دوم راه یافته اند و پیام آخر که از رئیس مجلس قدر دانی می‌شود. پایان مجلس اول شورای اسلامی با کارنامه‌ای که در آن ثبت شده: ۶۲۵ جلسه علنی، ۱۵ جلسه مخفی، ۲۴ کمیسیون اصلی و چند کمیسیون فرعی، ۸۰۴ طرح و لایحه به طور رسمی در

مجلس مطرح شده که تعداد ۳۶۵ لایحه و طرح تصویب و ابلاغ شده و ۲۹۱ لایحه و طرح قبل و بعد از بحث استرداد شده یا مسکوت مانده یا رد شده و تعداد ۱۴۷ لایحه و طرح در کمیسیون‌ها مانده و در آینده بررسی خواهد شد. ۳۱ بار بحث درباره اعضا و کابینه دولت و رأی اعتماد به ۱۰۲ وزیر که ۸ نفر از این مجلس رأی اعتماد نیاوردند.

■ رأی مجلس به عدم کفایت سیاسی بنی صدر

یکی از جنجالی‌ترین اتفاق‌ها در مجلس اول؛ اول تیر ۱۳۶۰ بود که روزنامه جمهوری اسلامی در صفحه اول خود با تیتربزرگ نوشت: «۱۷۷ رأی به بی‌کفایتی بنی صدر برای ریاست جمهوری»؛ ۳۷ روز بعد، روزنامه‌ها، در روز چهارشنبه هفتم مرداد ماه نوشتند: «بنی صدر با اخذ پناهندگی به پاریس گریخت.» تاریخ بسرعت ورق می‌خورد؛ روزنامه انقلاب اسلامی، روز سه‌شنبه ۹ بهمن ۵۸ می‌نویسد از ۱۴ میلیون رأی اخذ شده، ۱۰ میلیون و ۷۰۹ هزار و ۳۳۰ نفر به بنی صدر رأی دادند و رأی او در تهران ۱ میلیون و ۸۳۳ هزار و ۱۹۷ نفر است. بار دیگر عقربه

زمان به ۳۱ خرداد ۶۰ برمی‌گردد. مجلس بعد از دوروز بحث و بررسی، به عدم کفایت سیاسی ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس جمهوری وقت رأی مثبت داد. ۱۱ روز بعد از عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا (۲۰ خرداد ۱۳۶۰) «طرح عدم کفایت سیاسی بنی صدر» برای ریاست جمهوری توسط ۱۲۰ نفر از نمایندگان به مجلس ارائه شد. اما مجلس فاقد آیین‌نامه لازم برای بررسی بود. هاشمی رفسنجانی استدلال می‌کرد کار به این مهمی نمی‌بایست طور انجام بگیرد که خدا ناکرده در آینده دستاویزی برای ضدانقلاب و دشمنان داخلی و خارجی نظام جمهوری اسلامی باشد، برای همین مجلس طرحی را در ۲۲ خرداد ۶۰ تحت عنوان «آیین‌نامه چگونگی بررسی عدم کفایت سیاسی رئیس جمهوری» مشتمل بر ۴ ماده و ۲ تبصره تصویب کرد که در آن شیوه بررسی رئیس جمهوری مشخص شده است. بعد از آن بود که طرح عدم کفایت سیاسی بنی صدر بررسی و تصویب شد. مهم‌ترین دلیل بر عدم کفایت سیاسی بنی صدر از سوی نمایندگان مجلس «موضع‌گیری وی علیه نظام جمهوری اسلامی و اتحاد با نیروهای ضدانقلاب وابسته به شرق و غرب جهت نابودی نظام اسلامی و همچنین مخالفت مستمر وی با مجلس شورای اسلامی از

بدو تأسیس و حتی پیش از افتتاح آن، دخالت صریح در قوه قضائیه و عدم درک صحیح از بدیهی‌ترین اصول قانون اساسی و نیز عدم اعتقاد به اصل تفکیک قوا» اعلام شد.

■ شعله اختلاف گسترده‌تر شد

شروع اختلاف میان مجلس و رئیس جمهوری از ابتدای روی کار آمدن دولت و در جریان انتخاب نخست‌وزیر بود. اگرچه به نظر می‌رسید با انتخاب شهید رجایی به سمت نخست‌وزیری این کدورت به فراموشی سپرده خواهد شد، اما تقابل میان نیروهای مشهور به خط امام (ره) که عمدتاً از اعضای حزب جمهوری اسلامی بودند و بنی صدر پس از انتخاب نخست‌وزیر و کابینه همچنان ادامه یافت و در زمستان ۱۳۵۹ دور تازه‌ای از منازعات شروع شد. در آخرین روزهای پاییز ۱۳۵۹، سخنرانی احمد سلامتیان و حسن لاهوتی اشکوری از یاران نزدیک بنی صدر در مشهد باعث مناقشات و درگیری‌هایی بین هواداران دو گروه شد و در اسفندماه همان سال با سخنرانی ۱۴ اسفند رئیس جمهوری در دانشگاه تهران، این منازعات شدت گرفت. با شدت گرفتن اختلافات در نوروز ۱۳۶۰، هیأتی از سوی حضرت امام